

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۰ اگست ۲۰۲۱

با تشدید مبارزه‌مان در جهت سرنگونی حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی اجاز ندهیم رویداد تلخ نقده ادامه یابد!

متأسفانه صداهای شومی بار دیگر مردم نقده را به وحشت انداخته است. خبر هولناک از درگیری‌های کرد و ترک در چند روز اخیر است.

در واقع دوره ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی، آیت‌الله معروف به قتل‌عام زندانیان سیاسی با وحشت و تهدید و ترور و توطئه شروع شده است. در چند روز اخیر ریاست رئیسی در شهر نقده نقش جمهوری اسلامی توسط عناصر و عوامل نهان و آشکار دیده می‌شود که جنگ ترک و کرد را در این شهر شعلهور کرده‌اند که به جان‌باختن دست‌کم دو نفر و زخمی شدن حدود ۳۰ شهروند کرد منجر شده است. تاریخچه جنگ کرد و ترک در نقده به آغاز تاسیس جمهوری جهل و جنایت و ترور برمی‌گردد و مدتی است که مجدداً درگیری‌های لفظی در شبکه‌های اجتماعی با هدف برافروختن آتش نفرت و تفرقه ملی و مذهبی توسط پان‌ترکیست‌ها و پان‌کردیست‌ها و حامیان منطقه‌ای آن‌ها و همچنین عوامل نهان و آشکار جمهوری اسلامی نه تنها در شهر نقده، بلکه متأسفانه در تمامی شهرهای استان آذربایجان غربی در جریان است. روز شنبه شانزدهم خرداد ۱۴۰۰، تروریست‌ها جمهوری اسلامی، یکی از اعضای کمیته مرکزی از دموکرات کردستان ایران را در شهر اربیل اقلیم کردستان ترور کردند. این نخستین بار نیست که جمهوری اسلامی در بیرون از مرزهای ایران دست به چنین تروری می‌زند. چرا که طی چند دهه گذشته در همین کردستان عراق، صدها تن از فعالین سیاسی ایرانی توسط آدم‌کشان جمهوری اسلامی ترور و یا ربوده شده‌اند. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران در منطقه تحت حاکمیت محلی کردستان، کنسولگری و روابط دیپلماتیکی رسمی دارد. هر ساله حدود هشت و یا نه دلار سود از قبل مرادات تجاری از طریق مرزهای این منطقه به دست می‌آورد. در حالی که جمهوری اسلامی در محاصره اقتصادی قرار دارد حکومت منطقه‌ای کردستان به منبع درآمدی سرشاری برای این حکومت تبدیل شده است.

کانال خبری ارومیه که یک کانال تلگرامی برای پوشش خبرهای این شهر است، از دو بار زیر گرفته شدن یک زن در ارومیه توسط یک راننده پس از «تذکر حجاب» خبر داد.

این کانال تلگرامی روز یکشنبه ۱۷ مرداد نوشت که «به گزارش مخاطبان، راننده یک خودرو پرشیا به همراه یک خانم به دلیل پوشش به دو بانو در پیادرو خیابان کاشانی به آن‌ها تذکر می‌دهد و بعد از بی‌اعتنائی به این تذکر راننده پرشیا اقدام به زیر گرفتن خانم‌ها می‌کند.»

روز دوشنبه، ۱۸ مرداد، خبرگزاری ایلنا با تأیید این خبر نوشت که راننده این خودرو پس از زیر گرفتن این دو زن و تصادف با خودروهای دیگر از صحنه متواری شد، اما در ساعات پایانی شب گذشته دستگیر شده است. بر اساس این گزارش، هر دو زن زیرگرفته شده به نزدیکترین مرکز اورژانس منتقل شدند و یکی از آنها دچار آسیب دیدگی زیادی شده است.

دادستان عمومی و انقلاب ارومیه هم از دستگیری راننده مزبور خبر داده و بدون بیان هیچ گونه توضیح دیگری افزوده است که «به اتهام فرد خاطی رسیدگی می شود و مورد مجازات قرار خواهد گرفت.» ستاد امر به معروف و نهی از منکر یک نهاد حکومتی است که در همه شهرهای ایران شعبه دارد و رئیس آن توسط شورای سیاست گذاری ائمه جمعه منصوب می شود. در شورای مرکزی این ستاد، چهره هایی چون وزرای علوم، آموزش و پرورش و ارشاد، یک عضو مجلس خبرگان، دبیر شورای عالی حوزه علمیه و رئیس سازمان صداوسیما حضور دارند.



حوالی ساعت ۱۰ روز شنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۰-۷ ژوئیه اوت ۲۰۲۱ در شهر نقده یک پان ترکسیت با چاقو به تعدادی از جوانان کرد نقده حمله می کند. در این حمله که در خیابان «پیرانشار» شهر نقده روی داد یک جوان کرد به نام «وریا ابراهیمی» با ضربه چاقو به قتل می رسد. مهاجم قبل از حمله به وریا ابراهیمی در محله «دادگاه» تعدادی از جوانان کرد را مورد هتاک قرار داده و به فردی به نام «یونس قادری» نیز حمله کرده است که با میانجی گری شهروندان روبه رو می شود.

پس از قتل وریا ابراهیمی فرد مهاجم با هم دستی نیروهای انتظامی حکومت و با «آمبولانس» از محل متواری می شود. در ادامه این درگیری ها تصاویر منتشر شده در شبکه های اجتماعی ده ها جوان فاشیست آذری را نشان می دهد که با سردادن شعار ترکی استانبولی «بو توپراخدان پای اولماز- سولدوز کوردستان اولماز» در خیابان های نقده به حرکت در می آیند.

خبرگزاری روژنیوز به نقل از منابع محلی آگاه از نقده اعلام کرده است که رهائی مهاجم از سوی نیروهای انتظامی حکومت، اعزام نیروهای ضدشورش از شهرهای ارومیه و مهاباد به نقده و حمله نیروهای امنیتی به مردم کرد حاکی از برنامه مشترک فاشیست های ترک و جمهوری اسلامی ایران برای سرکوب شهروندان کرد نقده می باشد.

پس از اعتراض مردم نقده نظامیان جمهوری اسلامی ایران معترضان را با گلوله های جنگی هدف قرار داده و در نتیجه تیراندازی مستقیم یک شهروند دیگر کرد به نام «محمد علیزاده» به قتل می رسد.

این واقعه نقده در حالی روی داد که سازمان ها و جریان های پان ترکسیت در هفته های اخیر با نفرت پراکنی علیه مردم عملاً زمینه درگیری در شهرهای استان آذربایجان غربی به ویژه ارومیه را فراهم کرده اند.

بی‌تردید هر نوع خشونت در هر شکلی از سوی هر کسی و ملیتی علیه اتحاد و همبستگی مردم را باید شدیداً محکوم کرد و در مقابل آن ایستاد. ما باید در یک صف متحد و متشکل و با اتکا به نیروی خودمان علیه کلیت جمهوری اسلامی چهل و جنایت و تبه‌کار مبارزه کنیم و اجازه ندهیم عوامل حکومتی و گرایش‌های فاشیستی و نژادپرست آرامش مردم را به هم بزنند.

بی‌تردید هر نوع ادبیات تفرقه‌افکنانه و نژادپرستانه به ضرر فردی و جمعی شهروندان تمام می‌شود و نفع آن را حکومت و نژادپرستان می‌برند. چرا که اختلافات ملی، زبانی، مذهبی و غیره روی می‌دهد دست‌های پیدا و پنهانی پشت این اتفاقات قرار دارند و روی شعله‌ور شدن این اختلافات بنزین می‌پاشند.

شاید این‌گونه حوادث اتفاقی و با یک درگیری ساده و یا از پیش طراحی‌شده آغاز شود اما هنگامی که به درگیری جمعی در سطح شهر منجر می‌شود دیگر این حادثه نه اتفاقی بلکه سناریویی از پیش طراحی شده است. در هر دو صورت بیش‌ترین آسیب را از چنین حوادثی کارگران و محرومان و مردم آزادی‌خواه و مساوات‌طلب می‌بینند، به همین خاطر از هر امکانی استفاده کرد تا جلو این سناریوهای سیاه گرفته شود.

اکنون شهرستان ۱۲۷ هزار نفری نقده یکی از شهرهای جنوبی آذربایجان غربی بوده و در فاصله حدود ۸۰ کیلومتری جنوب شرق ارومیه واقع شده است.

اگر مروری با هدف حقیقت‌یابی بر کشتارهای جمهوری اسلامی در نقده و حومه آن به سردمداری ملاحسنی امام جمعه ارومیه و نماینده مجلس شورای اسلامی در آغازین روزهای برقراری جمهوری اسلامی ببیندازیم با تصویر هولناکی روبه‌رو می‌شویم.

نقده، پل ارتباطی میان شهرهای کردنشین اشنویه در غرب، پیرانشهر در جنوب غرب، مهاباد در جنوب نقده با ارومیه مرکز استان، محسوب می‌شود. مصطفی چمران در توصیف موقعیت این شهر گفته است: «نقده دروازه آذربایجان است. برای وصول به اشنویه، جلدیان و پیرانشهر، حیاتی است. برای نفوذ به آذربایجان، سیطره بر نقده ضروری است...»

طبق آمار دولتی در فروردین‌ماه ۱۳۵۸، جمعیت شهر نقده، ۱۹ هزار نفر برآورد می‌شد که ۱۶ هزار نفر آن ترک و ۳ هزار نفر دیگر کرد بودند. بسیاری از خانواده‌های ترک، در محله کردها منزل و کسب و کار داشتند.

بی‌تردید وحشت و جنگ و کشتار نقده، کار عوامل جمهوری اسلامی بود چرا که مردم ترک و کرد در نقده قرن‌هاست با هم زندگی کرده‌اند و به نوعی با هم ادغام شده بودند. طی سه روز درگیری در این شهر، نزدیک به ۵۰ نفر جان باختند، تعدادی زیادی مجروح شدند. با این همه و در نهایت، این اجساد مردم بی‌دفاع نقده بود که در خیابان‌ها و خانه‌ها به شم می‌خورد!

عواملی نظیر تمدن و تاریخ کهن، ژئوپلیتیک خاص، مهاجرت و ترکیب جمعیتی مختلف، تنوع ملی و مذهبی، منابع، ثروت‌های طبیعی و...، استان آذربایجان غربی و استان کردستان را به یکی از کانون‌های تنش، بحران و منازعات در طول تاریخ تبدیل کرده است. حوادث و مناقشات مربوط به ماجرای شیخ عبیدالله شمرزینی، اسماعیل آقا سیمیتقو، جیلوها، ارامنه و...، نمونه‌هایی از وقایع تاریخی است که رخ داده است. با این همه و با وجود تفاوت‌ها، تنوع و تضادهای سیاسی، مذهبی و ملی، زندگی و روابط مسالمت‌آمیز در بین ساکنان این خطه از جامعه‌مان وجود داشته و روح دوستی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، در آن جاری است.

پس از اعدام قاضی محمد، رهبر سیاسی حزب دموکرات کردستان توسط حکومت پهلوی در ۱۰ فروردین ۱۳۲۶ در مهاباد، سازمان‌های کرد، حدود سه دهه چندان فعال نبودند. فعالیت‌های آن‌ها، به برگزاری میتینگ‌ها و نشست‌های

دورن حزبی محدود بود و یا فعالیت‌های مخفی داشتند. اما بعد از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران و با توجه به تهاجم همه جمهوری اسلامی به دستاوردهای انقلاب و نیروهای مخالف جمهوری اسلامی، سازمان زحمت‌کشان کومله از موضع چپ و حزب دموکرات کردستان ایران از موضع راست در کردستان فعال‌تر شدند. اگر کومله با سازمان‌دهی مردم آزادی‌خواه کارگران و زنان و جوانان در شوراها و جمعیت‌ها سرسختانه در برابر تهاجمات جمهوری اسلامی ایستادگی می‌کرد. اما حزب دموکرات کردستان نسبت به جمهوری اسلامی بسیار متوهم بود.

موقعیت جغرافیای سیاسی و نظامی شهرستان نقه، از عوامل مهم مورد توجه حزب دموکرات کردستان نسبت به تصرف یا کنترل این شهر بوده و موجب بروز جنگ نقه در ۳۱ فروردین ۱۳۵۸ گشت. در چهارم فروردین ۱۳۵۸، دولت موقت اجازه داد تا جسد ملامصطفی بارزانی، رهبر جنبش ملی‌گرای کردستان عراق از کرج به بخش اشنویه نقه منتقل و در آنجا دفن شود. از این رو جمعی از متنفذان محلی و روحانیون شیعه و سنی منطقه نیز در این مراسم شرکت کردند.

بعد از پیروزی انقلاب، برای اداره امور شهر نقه، ابتدا کمیته مشترکی از کردها و ترک‌ها تشکیل شد، ولی به دنبال شروع فعالیت سازمان‌ها و احزاب کردی، حکومت به وحشت افتاد و در مناطق کردنشین جنوب غرب آذربایجان، با تبلیغات نفاق‌آمیز و شدید ملی‌گرایی کردی و ترکی از طریق رادیو و نشریات در نقه، به دو کمیته مجزای ترک و کرد جدا شد و فضای ملتهب تعصب‌آمیز ملی، به شکل مضاعف بر این منطقه حاکم شد. بعد از خلع سلاح ژاندارمری نقه در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۳ و مسلح شدن عده‌ای از مردم، هرچه بیش‌تر بر نگرانی جمهوری اسلامی افزود. وضعیت شهر نیز ملتهب‌تر شد.

در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، فرماندوم تعیین نظام جمهوری اسلامی برگزار شد. سازمان انقلابی زحمت‌کشان کردستان «کومله»، در اعلامیه‌ای خطاب به پیشموران، بازاریان، روشنفکران، کارمندان و دانش‌آموزان اعلام کرد: «در ۱۰ فروردین ۱۳۲۶، طناب دار را به گردن قاضی محمد انداختند. مبارزان خلق کرد در سال‌روز شهادت قهرمان ملی‌شان، در فرماندومی که حقوق ملی خلق کرد و سایر خلق‌های ایران را نادیده می‌گیرد، شرکت نخواهد کرد.» (روزنامه کیهان ۷ فروردین ۱۳۵۸، شماره ۱۰۶۶۸ ص ۳)

شیخ‌عزالدین حسینی نیز حضور در انتخابات را تحریم کرد و در پایان اعلامیه خود، شرکت در آن را مشروط به برآوردن ساختن درخواست‌های خود کرد! (روزنامه کیهان، چهارشنبه ۸ فروردین ۱۳۵۸، شماره ۱۰۶۶۹ ص ۷) حزب دموکرات برای برپایی میتینگ خود در شهر نقه، در روز جمعه ۳۱ فروردین ۱۳۵۸، اقدام به یک فراخوان و دعوت گسترده از کردها نمود.

با این همه برگزاری میتینگ در شهر نقه، موجب نگرانی مردم نبود، بلکه روحانیون و طرفداران حکومت تازه تاسیس اسلامی شهر نگران بودند.

به علاوه این حق طبیعی حزب دموکران و کومله و هر جریان سیاسی است که آزاده میتینگ‌های خود را برگزار کنند اما جمهوری اسلامی از همان آغاز کار خود با هرگونه تجمعیت مخالف بود و جریان‌های حزب‌اللهی را به جان آن‌ها می‌انداخت.

جمهوری اسلامی که سرکوب‌های شدید خود را در کردستان آغاز کرده بود از وقایع نقه به وحشت افتاده بود در تلاش بود با هر ترفند و وپئه‌ای درگیری در شهر ایجاد کند و جنگ ترک و کرد بیاندازید تا به اصطلاح از این آب گل‌آلود ماهی خود را بگیرد.

مراسم حزب دموکرات در استادیوم ورزشی، با حضور مردم کرد شهرها و روستاهای کردنشین و با سخنرانی رهبران حزب دموکرات آغاز شد. حوالی ساعت ۱۱ صبح، صدای شلیک تیر هوائی، مردم داخل استادیوم را دچار هراس می‌کند و آنان این را تهدیدی برای خود تلقی می‌کنند. در نتیجه نظم میتینگ به هم می‌خورد و آنان سراسیمه و دسته‌جمعی، محل میتینگ را ترک می‌کنند.



آن‌گاه در خیابان اصلی شهر، چندین کسبه به طور مشکوکی کشته می‌شود. اغلب مردم ساکن نقده، در منازل و پشت‌بام‌ها و در سنگرهای خود، پناه گرفته و نگران اوضاع بودند. چند تن میوه‌فروش دورگرد، با اربابه‌های خود در خیابان در تردد بودند که در همان ابتدای کار، مورد حمله قرار گرفتند و کشته شدند. در فاصله ساعت ۱۱ تا ۵ بعد از ظهر که جنگ رسماً آغاز شد، درگیری‌های پراکنده در سطح شهر ادامه داشت. بلندگوهای مساجد شیعه، مردم شهر را تحریک می‌کردند. روز شنبه اول اردیبهشت ۱۳۵۸، با وجود باران شدیدی که می‌بارید، جنگ نیروهای جمهوری اسلامی علیه حزب دموکرات و مردم شهر نقد و تحریک احساسات ملی کردی و ترکی به شدت ادامه داشت. درگیری‌های مسلحانه، به روستاهای اطراف شهر نیز سرایت کرد! در گوشه‌هایی از شهر شعله‌های آتش دیده می‌شود. تلفات بین ۷۰ تا ۸۰ تن و تعداد مجروحان تیر خورده نیز ۴۳ تن بود. اجساد در وسط کوچه و خیابان مشاهده می‌شدند. ادامه تیراندازی، انتقال آن‌ها را به بیمارستان، ناممکن کرده بود! در پی تشدید درگیری‌ها، زمزمه‌هایی مبنی بر اعزام ارتش به دستور دولت، به شهر جنگ‌زده نقده شنیده می‌شد. غنی بلوریان در نامه‌ای به «آیت‌الله سید محمود طالقانی»، از ایشان می‌خواهد مانع از رفتن افراد مسلح به نقده شود.

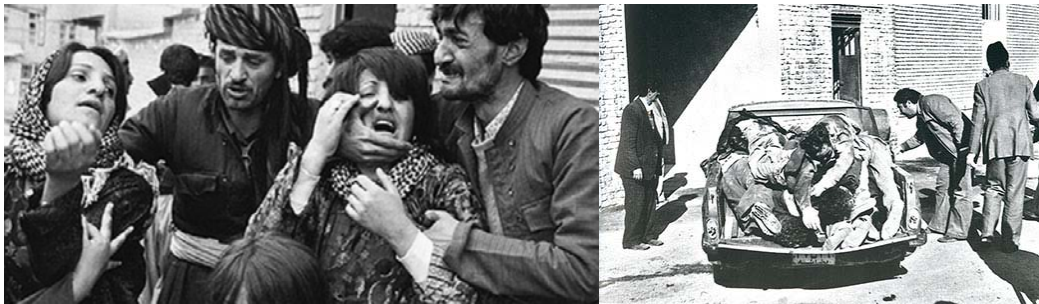
شیخ عزالدین حسینی در ساعات پایانی روز دوم، وقتی مقاومت مدافعان را می‌بیند، با پخش اعلامیه از طریق رادیو مهاباد و چندین تلگرام به مقامات و مراجع شیعه، خواستار توقف جنگ می‌شود و بر لزوم برادری میان ترک و کرد تاکید می‌کند.

در شامگاه روز یکشنبه، حجت‌الاسلام غلامرضا حسنی همراه با عده‌ای از نفرات داوطلب ارومیه‌ای، دو نفر بر ارتش تهیه می‌کنند و از طریق جاده خاکی حیدرآباد، ابتدا وارد حسنلو و سپس وارد نقده می‌شوند. با ورود او و نیروهای همراه، جنگ را شدیدتر می‌کنند. ملاحسنی با همراهان خود ستاد دموکرات‌ها حمله کرده و آن‌جا را به تسلط خویش درمی‌آورند. در عصر روز دوشنبه ۱۳۵۸/۲/۳ ملاحسنی و نیروهایش بخشی‌های اشر نقده و روستای اطراف را تسخیر می‌کنند و گشتارهای دسته‌جمعی مردم را آغاز می‌کنند.

در چهارمین روز با حضور تعدادی نفر بر و تانک ارتش در نقده و قطع درگیری‌های پراکنده در کوه‌های اطراف شهر، اوضاع نسبتاً آرام می‌شود.

طی این سه روز درگیری، تعداد زیادی از مردم ترک و کرد جان خود را از دست می‌دهند و تعداد بی‌شماری نیز مجروح و یا توسط نیروهای حکومتی دستگیر و زندانی و یا اعدام و زندانی می‌شوند.

حجت‌الاسلام غلامرضا حسنی، این قداره‌بند و آدمکش جمهوری اسلامی، در توجیه این آدم‌کشی‌های خود داستان‌های دروغین زیادی بافته است. او و همراهانش پس از پایان درگیری‌ها، عمدتاً خانه‌های مردم کرد این منطقه غارت کردند و خیلی از خانواده‌های کرد را وادار کردند این شهر و خانه و کاشانه‌شان را ترک کنند.



در حقیقت بعد از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ و عروج جمهوری اسلامی، اغلب شهرها و روستاهای کردنشین دورانی بسیار سختی از جنگ و خون‌ریزی را تجربه کردند.

شهر نقده یکی از نمونه‌های خونین جنگ و کشتار را در اوایل سال ۱۳۵۸ تجربه کرد. اساساً این درگیری بر مبنای برافروختن آتش تعصبات اثنیکی و دینی به واسطه دخالت کینه‌جویانه برخی چهره‌های مذهبی چون «غلامرضا حسنی» ایجاد شد.

چهار روز پس از آغاز فاجعه، حسنی پس از دادن يك اطلاعیه رادیویی و دعوت از مردم جهت دفع عوامل حزب دمکرات کردستان، به همراه نیروهای از ارومیه راهی نقده می‌شوند. برخی از منابع اعلام می‌کنند که سرتیپ ظهیرنژاد فرمانده لشکر ارومیه و حسنی به کمک نیروهای شخصی وارد جنگ نقده می‌شوند. آن‌ها ابتدا با عکس شیخ‌عزالدین حسینی روی تانک‌ها آمدند و کردها راه را برایشان باز کردند اما بعداً معلوم شد که این‌ها نیروهای حسنی و لشکر ارومیه‌اند.» (چشم انداز ایران - اولین ویژه نامه کردستان - زمستان ۱۳۸۷ کردستان: گذشته، حال و چالش‌های پیش رو گفت‌وگو با آقای احسان هوشمند و کیهان روز، ۵۸/۲/۱ (شماره ۱۰۶۸۸)

در حالی که کردها و ترک‌ها در نقده سال‌ها با صلح و دوستی در کنار هم زندگی و معاشرت می‌کردند، اما تحریک‌ها کار خود را کرد و آتشی برافروخت که جان دست‌کم ۳۰۰ تن را گرفت و صدها خانواده را آواره کرد.

چندی پیش «صادق زیباکلام»، اصلاح‌طلب و استاد علوم سیاسی «دانشگاه تهران»، در صفحه اینستاگرام خود ضمن روایت ربوده‌شدنش به دست نیروهای «حزب دمکرات» در ۲۲ مهر ۱۳۵۸، نکاتی را هم در رابطه با جنگ ترک‌ها- کردها و نقش «غلامرضا حسنی» در کردستان مطرح کرده است. غلامرضا حسنی از افراد نزدیک به «روح‌الله خمینی» و رئیس کمیته‌های جمهوری اسلامی در اوایل انقلاب و همچنین امام جمعه ارومیه تا زمان مرگش در سال ۱۳۹۷ بود.

زیباکلام نوشته است که به عنوان نماینده نخست‌وزیری وقت، «مهدی بازرگان»، به مهاباد اعزام می‌شود تا آوارگان کردی را که به دلیل جنگ نقده فرار کرده بودند، به زادگاه و خانه و کاشانه خود بازگرداند.

زیباکلام در ادامه روایت خود می‌گوید ابتدا همراه با تیم اعزامی به ارومیه عازم شده و بعد از دیدار با «جمشید حق‌گو»، استاندار وقت ارومیه، به اتفاق هم به دیدار غلامرضا حسنی رفتند: «در حیات منزلش به استقبال آمده بود و به محض آن که چشمش به ما افتاد قبایش را زد کنار و چند بار زد روی اسلحه کمری‌اش و گفت «به بازرگان بگو این تنها

زبانی است که کردها می‌فهمند؛ شما از تهران دخالت نکنید. ما خودمان مسأله را این‌جا حل می‌کنیم.» بلافاصله گفتم حاج‌آقا اگر خودتان می‌توانستید مسأله را حل کنید، بعد از یک ماه آن را حل کرده بودید.

او در ادامه می‌افزاید: «وقتی آمدیم بیرون حق‌گو دلش طاقت نیاورد و گفت کار درستی نکردید با ایشان آن طور صحبت کردید، شما ایشان را عصبانی کردید. حسنی همه‌کاره استان و منطقه است.»

ملاحسنی در کتاب خاطرات خود نوشته است که در فروردین ماه ۱۳۵۸ از طریق فردی به نام «عزیز آقا»، فرزند «میرزا آقا»، که یکی از اهالی روستای «چیانی» از توابع شهر نقده بوده، او را از توطئه‌ای در آینده‌ای نزدیک توسط حزب دموکرات کردستان مطلع کرده‌اند مبنی بر این‌که: «آبادی این حزب به طور مرتب در مناطق مختلف و حومه شهر نقده میتینگ برگزار می‌کنند و قصد دارند شهر نقده را به تصرف درآورند.»

حسنی بعد از اطلاع از این موضوع مدعی می‌شود که: «حرف‌هایش را مطابق با واقع یافتیم و گفتم اگر این شهر تصرف شود، راه ارتباطی سردشت، پیران‌شهر، جلدیان و پسوه با ارومیه قطع خواهد شد و پادگان‌های لب مرزی بدون زحمت و دردسر در اختیار آنان قرار خواهد گرفت و دیگر مردم آذربایجان غربی و کردستان برای همیشه در حسرت آرامش و امنیت خواهند ماند.»

اما خبر امیدوارکننده و خوشحال‌کننده آن است که مردم آزادی‌خواه و مساوات‌طلب نقده با انزجار از جمهوری اسلامی و عوامل آن فرصت بهره‌برداری بیش‌تر از این رویداد را ندادند. روز یکشنبه ۱۷ مرداد بیانیه مشترکی به امضاء جمعی از مردم کرد و ترک در سطح شهر نقده منتشر شد که نشان می‌دهد مردم آگاه این شهر نقش نفرت‌پراکنی حکومت را دانسته و به دام توطئه‌های تبهکارانه آن نیافتادند.

آن‌ها در بیانیه‌ای نوشته‌اند:

«در حالی که بیکاری و بیماری و مرگ ناشی از کرونا گریبان جامعه را گرفته است، در اثر عدم مدیریت، مردم فارغ از سن و جنس و نژاد و زبان قربانی پاندمی کرونا می‌شوند. مردم بیکار و ندار و درمانده و عصبی آماده انفجار، به کوچک‌ترین و عادی‌ترین وقایع واکنش تند و عصبی نشان می‌دهند. وقوع یک نزاع موجب بروز واکنش‌های نامطلوبی می‌شود. دشمنان مردم ترک و کرد با میدان‌داری و هدایت عوامل معلوم‌الحال خود بر طبل تعصبات و اختلافات قومی و مذهبی می‌کوبند و در تلاشند ضمن منحرف نمودن اعتراضات جوانان بر بستر واقعی جامعه گرفتار در چنگال بیکاری و بیماری و گرانی، از آب گل‌آلود ماهی بگیرند.»

در ادامه این بیانیه آمده است:

«همشهریان ترک و کرد ساکن نقده و حومه!

ما قرن‌هاست که در جوار یکدیگر زندگی مشترک و مسالمت‌آمیزی داشته‌ایم و داریم. اساساً مردم موردی برای نزاع با یکدیگر ندارند. همشهریان عزیز! همزیستی مسالمت‌آمیز ما فارغ از تنوعات قومی و مذهبی، به مذاق مفسدین و برخورداران از رانت‌های چند هزار میلیاردی خوش نمی‌آید. آن‌ها تلاش می‌کنند این همزیستی نمونه وار را برهم زنند. از عموم همشهریان اعم از کرد و ترک دعوت می‌نمائیم ضمن حفظ آرامش، با رویدادها آگاهانه برخورد نموده و توطئه تنگین دشمنان هر دو ملت را عقیم سازند. ما با هم قدرتمندیم و هراس دشمنان مردم از این قدرت سهمگین است.»

جمهوری اسلامی در حالی که در باتلاق بحران‌های عظیمه‌ای گیر کرده و نه راه پس دارد و نه پیش، به همین دلیل این حکومت جانی برای نجاتش به هر سناریو سیاه و توطئه‌ای متوسل می‌گردد از جمله با تفرقه‌اندازی و تحریک احساسات

ملی و مذهبی مردم را با همدیگر درگیر کند. در این شرایط جمهوری اسلامی برای نجات به راه‌انداختن جنگ و نفرت بین مردم ترک و کرد و سیاست تبهکارانه و مافیائی و خطرناکی روی آورده است.

در شرایطی که کرونا روزانه جان چند صد نفر را می‌گیرد و ده‌ها هزار نفر را آلوده می‌کند، میلیون‌ها خانواده ایرانی به‌دلیل بیکاری و گرانی کمرشکن، زندگی بسیار دردناک و سختی دارند، در حالی که خانواده هزاران زندانی سیاسی اعدام شده خواهان محاکمه رئیسی به‌عنوان یکی از عاملان اصلی و مهم قتل‌عام زندانیان جان‌باخته هستند، محاکمه حمید نوری از معاونان رئیسی قرار است از فردا دهم اوت ۲۰۲۱ در استکهلم پایتخت سوئد آغاز شود، حکومت از سر استیصال و ترس از خیزش‌های عظیم مردمی و اعصاب‌ساز سراسری کارگری و دانشجویی و غیره، به سناریوهای سیاه آشکار و نهان روی آورده است. در این میان تنها مردم آگاه و متحد می‌توانند با هوشیاری و اعتراض خود جلو این بربریت جدید حکومت را بگیرند.

شکی نیست که ما در ایران هم پان‌ترکسیم و هم پان‌کردسیم و پان‌فارسیسم و پان‌اسلامیسم داریم و همه آن‌ها تلاش می‌کنند تا افکار و اهداف و سیاست‌های ارتجاعی و غیرانسانی خود را به جامعه تحمیل کنند اما این واقعه جدید نقده نشان می‌دهد که ما باید انگشت اتهام را مستقیماً به سوی جمهوری اسلامی بگیریم و نگذاریم تا این حکومت ترور و وحشت پشت این گرایش‌ها مرتجع خود را مخفی کند و بخواهد از آب گل‌آلوده ماهی خود را بگیرد.

حکومت اسلامی و رئیس‌جمهور آدم‌کش و وحشی آن به خوبی آگاهند که با راه‌انداختن ترور، توطئه، قطع اینترنت و سرکوب نمی‌توانند مردم را وادار کنند که ساکت باشند و اعتراض و مبارزه نکنند. امروز اکثریت شهروندان ایران، از کارگران و مردم محروم گرفته تا زنان جسور و حقی‌طلب، از تشکلهای مستقل کارگری و فرهنگی تا مردم مبارز کردستان و آذربایجان، خوزستان، بلوچستان، از شمال و جنوب از غرب و شرق کشور با میلیون‌ها بیکار و حاشیه‌نشین، شدیداً از جمهوری اسلامی نفرت دارند و برای برکناری آن و برپایی یک جامعه آزاد و برابر و انسانی و عادلانه هستند. بنابراین جمهوری اسلامی با ترور و سرکوب و زندان و اعدام نمی‌تواند این جمعیت آزادی‌خواه و برابری‌طلب و عدالت‌جو را بیش از این به سکوت و پذیرش زندگی دردناک و غیرقابل تحمل مجبور کند.

شایان ذکر است که مدت‌هاست ما با رفقایمان که کردزبان و یا ترک‌زبان اند مشغول مشورت و تبادل نظر هستیم تا یک کانون مشترک با فعالین کردی و ترکی چپ و سوسیالیست و مساوات‌طلب را سازمان‌دهی کنیم تا در کنار فعالیت‌های سراسری‌مان هم‌زمان از جنبه نظری در جهت خنثی کردن این نوع توطئه‌های حکومت و تحریکات نژادپرستانه و فاشیستی گروه‌های ترکی و کردی با هدف ایجاد همبستگی و اتحاد و زندگی مسالمت‌آمیز مردم این منطقه سازمان‌دهی کنیم. چرا که مدت‌هاست این گروه‌ها در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های خود، به نفرت ملی و مذهبی دامن می‌زنند، و به ویژه گروه فاشیستی گرگ‌های خاکستری ترکیه وابسته به «حزب حرکت ملی ترکیه» که در ائتلاف دولت اردوغان شرکت دارند نفوذ زیادی در استان‌های آذربایجان شرقی و شرقی پیدا کرده‌اند. دلیلش هم آن است که متأسفانه گرایش‌ها چپ و سوسیالیستی در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی و کردستان نسبت به سال‌های اوایل انقلاب ۵۷، بسیار ضعیف شده‌اند و این ضعف باعث رشد گرایش‌ها فاشیستی و نژادپرستانه در این استان‌های مهم و حساس و استراتژیک کشور شده است.

بی‌تردید ما از هم‌اکنون، نیازمند به‌رمگیری از تجربه شوراهای اوایل انقلاب به‌ویژه فعالیت‌های ارزنده بنک‌ها(شوراها) و جمعیت‌ها در کردستان و همچنین با به‌رمگیری از دستاوردهای انقلاب روزاوا که وارد ده سالگی خود شده است به فکر تشکیل تشکلهای شوراهای مردمی خود در هر جای ایران به ویژه شوراهای مشترک مردم کرد و ترک در همه روستاها و شهرهای استان آذربایجان غربی باشیم و طوری زمینه‌های نظری آن را آماده سازیم تا در

فرصت مناسبی عملاً شوراها با برخورداری از پشتوانه نظری، بلافاصله اعلام موجودیت کنند و کنترل شهر و منطقه خود را در سراسر ایران به عهده گیرند.

دوشنبه هجدهم مرداد [اسد] ۱۴۰۰ - نهم اگست ۲۰۲۱

ضمیمه:

هشدار به نیروهای آزادی‌خواه و برابری‌طلب و سوسیالیست ایران به ویژه کردستان: شاید دعوی کرد و ترک در نقده سرآغازی برای درگیری‌ها وسیع در استان آذربایجان غربی منجر شود!

از فیس بوک بهرام

شنبه هفتم اگست ۲۰۲۱

در کنار دریاچه رو به خشک ارومیه شهر زیبای نقده با ترکیب جمعیتی دو ملیت تاریخی ترک و کرد ساکنند و دو ملیتی که سالیان متمادی و طولانی در کنار هم زیسته و در شادی و غم همدیگر شریک بوده‌اند. اما متأسفانه هنوز زخم‌های جنگ ترک و کرد که عوامل جمهوری اسلامی در اوایل انقلاب ۵۷ در این شهر به راه انداختند هنوز التیام نیافته اکنون بار دیگر صدای شوم درگیری مردم کرد و ترک این شهر به گوش می‌رسد.

در یک نزاع و اختلاف حساب یک شهروند کرد و یک شهروند ترک در نقده فرد کرد توسط فرد ترک کشته می‌شود و دو نفر هم زخمی می‌گردند. متأسفانه خیلی زود این درگیری رنگ و بوی ملی و نژادی پیدا می‌کند و تبدیل به یک نزاع کرد و ترک در نقده می‌گردد. تعدادی از کرد زبانان و ترک زبانان نقده با چوب و چماق با همدیگر درگیر می‌شوند. همچنین گفته شده است که یک نفر نیز بر اثر تیراندازی مأمورن حکومتی جان خود را از دست می‌دهد.

طبق خبر موثق که از رفقای نقده‌ام گرفتم افراد وابسته به نماینده نقده زنجانی حسنلونی از اعضای سپاه پاسدارن جنایتکار در خیابان‌های سنت و اسماعیل‌آباد و کوچه دادگاه و میدان وحدت و ... به همراهی نیروهای انتظامی و لباس شخصی دست به تعرض به جان و مال مردم زده و در حال برنامه‌ریزی یک جنگ خونین دیگری بین شهروندان کرد و ترک در این شهر هستند.

همچنین بنا به خبر سایت حزب دموکرات ایران بعد از ظهر شنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۰، دو جوان کورد اهل «اشنویه و نقده» در شهر «نقده» طی یک درگیری خیابانی کشته و زخمی شدند.

این دو جوان، به اسامی «کمال محمدی» ساکن روستای «قلاتان» از توابع شهر «نقده» و «فریدین ابراهیمی» ساکن روستان «گردگشان» شهرستان «اشنویه» بوده که با هدف انجام کار شخصی به شهر «نقده» سفر کرده بودند.

خبرها حاکی از آن است که این دو جوان با کسانی درگیر و در نتیجه آن «فریدین ابراهیمی» کشته شده است. هم‌زمان «کمال محمدی» نیز در این درگیری زخمی شده است.

در حال حاضر جو شهر «نقده» کاملاً متشنج و مردم به خیابان‌ها آمده‌اند. در پی اعتراضات یک شهروند دیگر با به نام «محمد علیزاده» با شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی کشته شده است.

مراکز امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی برای سرکوب مردم گارد ویژه را از مرکز استان به نقده اعزام کرده‌اند. لباس شخص‌های وابسته به مراکز امنیتی حکومت نیز برای سرکوب مردم به خیابان‌ها آمده‌اند.

همچنین بنابر بیانیه حزب دمکرات کردستان، موسا باباخانی روز پنج‌شنبه پنجم اوت ۲۰۲۱ از سوی دو فرد وابسته به جمهوری اسلامی ایران ربوده شده و صبح شنبه جنازه‌اش در حالی که آثار شکنجه شدید روی آن بوده در یک هتل «گل سلیمانی» در اربیل پیدا شده است.

موسا باباخانی اهل کرمانشاه بوده و حدود بیست سال پیش به عضویت حزب دمکرات کردستان در آمده بود. خبر ترور این عضو حزب دمکرات کردستان در حالی منتشر شده که هفته گذشته یک روزنامه‌نگار اهل کردستان عراق به نام زانکو بورهان از برنامه‌های سپاه پاسداران برای ترور فعالان سیاسی و مدنی ایرانی ساکن اقلیم کردستان به ویژه اربیل خبر داده بود.

حزب دمکرات کردستان در بیانیه‌ای اعلام کرد باباخانی اهل کرمانشاه و متولد ۱۳۶۰ بود و از سال ۱۳۷۸ به این حزب پیوسته بود.

شایان ذکر است که روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در حالی که نهادهای حکومت پهلوی توان و اقتدار قبلی را از دست داده بودند، تظاهرات مردمی در نقده هم آغاز شد. ابتدا رئیس شهربانی خود را تسلیم کرد و سپس مردم به سمت ژاندارمری حرکت کردند. ژاندارم‌ها به سوی مردم تیراندازی کردند و چند نفر نیز کشته و زخمی شدند که در نهایت تعدادی از ژاندارم‌ها اسیر شدند و بقیه فرار کردند. مردم اسلحه‌خانه ژاندارمری را ضبط کردند و مسلح شدند. آخرین پایگاه حکومت پیشین به تصرف کامل درآمد و مردم شورای شهر خود را انتخاب کردند.

بی‌تردید حسنی و نیروهای تحت نفوذ او مسبب اصلی جنگ خونین نقده در ۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸ بود. گفتنی است که ملاحسنی پسر بزرگ خود، «رشید حسنی»، را به دلیل این که به «سازمان چریک‌های فدائی خلق» گرایش داشت، لو داد و او بلافاصله اعدام شد. حسنی جانی در خاطرات خود نوشته است: «وقتی خبر اعدامش را شنیدم، اصلاً ناراحت نشدم، چون به وظیفه خود عمل کردم».

الان هم ما نیازمند بهره‌گیری از شوراهای اوایل انقلاب به ویژه کردستان و همچنین با بهره‌گیری از انقلاب روژاوا که وارد ده سالگی خود شده است به فکر تشکیل شوراهای مردمی خود در هر جای ایران به ویژه شوراهای مشترک مردم کرد و ترک در شهرهای استان آذربایجان غربی باشیم تا در فرصت مناسب آن‌ها بلافاصله اعلام موجودیت کنند و کنترل شهر و منطقه خود را به عهده گیرند.

باید خود مردم تلاش کنند جلو این درگیری‌ها و سرایت بیشتر آن به همه نقاط شهر و سایر شهرهای آذربایجان غربی را بگیرند و آتش‌افروزی‌های نیروهای حکومتی و گروه‌های فاشیستی ترک و کرد حنثی کنند. باید این واقعه جدید نقده را شدیداً محکوم کرد و خواهان همبستگی هر چه بیشتر اتحاد و همبستگی شهروندان کرد و ترک بر علیه فاشیسم و نژادپرستی در استان آذربایجان غربی شد.